



علم چیزی پیش و بیش از مقاله نویسی است

بسیار متأسفم که پیشنهادهای غیرمنتظره مرا از حضور در مجلس بحث و نظری که از مدتها در انتظارش بودم محروم کرد. در کشور ما سمینارها و کنفرانس‌های بسیار برگزار می‌شود اما همه آنها به یک اندازه لازم و مفید نیستند و چه بسا مسائلی که در آنها مطرح می‌شود اساسی و مهم نباشد. یکی از مسائلی که مخصوصاً باید در آن تحقیق و تأمل کنیم وضع علم در جهان کنونی و شرایط پیشرفت آن در کشور خودمان است. خوشبختانه در دهه‌های اخیر توجه به پژوهش در مراکز علمی و فرهنگی کشور آغاز شده و پیشرفتهایی به خصوص در توسعه کمی آموزش و پژوهش حاصل شده است. نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود این است که پیشرفت علم به صرف روی هم گذاشتن گزارشهای پژوهشی و گردآوری مقالات حاصل نمی‌شود زیرا تا علم در جامعه و زندگی مردم جایگاه خاص خود را پیدا نکند و مددی به زندگی و سیاست و مدیریت و اقتصاد و تعلیم و تربیت نرساند به توسعه نمی‌پیوندد. علمی هم که به توسعه مدد نرساند پزمرده می‌شود.

ما که تاریخ درخشان علم و شعر و فرهنگ داریم طبیعی است که دانش و دانشمندان را عزیز بداریم و البته این اعزاز غنیمت است اما کافی نیست. یعنی بسیار خوب است که با نظر اخلاقی به علم بنگریم اما این نظر و توجه گاهی در پیشبرد علم و توسعه آن اثر چندان ندارد. جهان توسعه یافته کنونی کمتر با علم تعارف دارد و در باب آن خطابه ایراد می‌کند بلکه علم را جزئی از زندگی خود و نیاز زندگی می‌داند یا درست بگویم زندگی در نظریش به علم بستگی دارد و مگر نه این است که تجدد با علم و تکنولوژی قوام یافته است.

در جهان جدید بر خلاف حکم مشهور، علم علت پیشرفت نیست بلکه لازمه پیشرفت است یعنی با شئون دیگر و همراه آنها به وجود آمده و پیشرفت کرده و بسط یافته است. پس این نظر که اگر علم را توسعه دهیم همه شئون دیگر توسعه به دنبال آن می‌آید گرچه نادرست نیست در عمل شاید نتیجه ندهد. ما خوب کاری می‌کنیم که دانشمندانمان را به پژوهش و نوشتن مقاله و چاپ آنها در نشریات بین‌المللی تشویق و گاهی الزام و اجبار می‌کنیم؛ اما مقاله نویسی باید نتیجه و اثر یا مظهر پیشرفت باشد و اگر در یک نظام علمی صورت نگرفته باشد نمی‌تواند علت پیشرفت شود. دو یا چند امر ملازم همیشه و

ضرورتاً نسبت علت و معلولی با هم ندارند و فراهم آوردن یکی ضرورتاً به پدید آمدن آن دیگرها نمی انجامد.

مقاله در جهان بسیار نوشته می شود و مردم هر جا باشند می توانند آن مقالات را بخوانند و بهره ببرند. دانشمندان ایرانی در خارج کشور که - نمی دانم بگویم متأسفانه یا خوشبختانه - تعدادشان بسیار زیاد است مقالات علمی بسیار می نویسند و در توسعه علم جهان اثر قابل ملاحظه ای دارند آیا می توانیم وجود مقالات آنان را نشانه پیشرفت علم در کشورمان بدانیم؟ علمی نشانه پیشرفت است که در نظام علمی یک کشور هماهنگ و همراه با توسعه جامع باشد. می گویند دانشمند در کار پژوهش است و چندان نباید به آثار و نتایج علم خود مشغول باشد چون اگر به فکر نتیجه باشد از پژوهش باز می ماند. این درست است اما علم حل مسئله است و مسائل علم چون با توسعه ارتباط دارد در جایگاه خاصی مطرح می شود و هر کشوری بسته به مقام و امکانهایی که در توسعه دارد مسائل علمش متفاوت است.

اگر دانشمندان مسائل علم کشور خود را بیابند و به حل آنها بپردازند در راه توسعه جامع (توسعه جامع را به جای توسعه پایدار که نمی دانم چرا به کار رفته است گذاشته ام) قرار می گیرند و اگر به مسائل جهانی علم مشغول شوند شاید به علم جهانی خدمت کنند اما پژوهشهای صرفاً رسمی و هر روزی که نه به درد کشور می خورد و نه به کار پیشرفت علم به طور کلی می آید اگر صرفاً انجام وظیفه اداری نباشد در بهترین صورت تمرین پژوهش است. با تمرین پژوهش نمی توان مخالفت کرد ولی هر روز و همیشه و همه جا با تمرین نمی توان و نباید وقت گذراند.

علم، علم سازندگی است (و البته ویرانگر هم می تواند باشد توجه به شأن ویرانگری علم باید احساس مسئولیت دانشمندان را بیش از پیش برانگیزد که اگر بتوانند با توجه به آینده علم لااقل قدری از تخریب زمین و دریا و هوا و تباهی وجود انسان جلوگیری کنند) علمی که صرف مقاله باشد و در جایی از آن بهره برداری نشود حکمش همانست که مولای متقیان علی علیه السلام فرمود: «اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع». علم هرچه هست باید مفید باشد و علم جدید که علم تکنولوژیک است پایه اش در سازندگی ظاهر می شود و باید به کار تکنیک صنعتی و کشاورزی و اداری و سیاسی بیاید. فرانسویس بیکن در شهر رؤیایی خود که نامش آتلانتیس جدید بود جای علم و پژوهش را در مرکز شهر قرار داد و نام آن مرکز را خانه سلیمان گذاشت یعنی می خواست بگوید که کشور از اینجا و از خانه حشمت و قدرت سلیمان است که اداره می شود.

اگر در کشوری دانشمندان منزوی باشند و بیرون از برنامه علم و پژوهش به کارهای ذوقی و سلیقه ای بپردازند و برای اینکه از علم دور نشوند و مقام و شأن دانشمندی را رعایت کنند، پژوهشی را هرچه باشد به عهده می گیرند، اثر بزرگی بر کارشان مترتب نمی شود و شاید گاهی نیز احساس بیهودگی کنند. یکی از مسائل مهم سیاست کشور توجه به جایگاه علم و شناخت این جایگاه و قرار دادن علم در جایگاه شایسته است. ما به علم احترام می گذاریم و آن را از وجهه نظر اخلاقی عزیز و بزرگ می داریم اما بهتر است که در جنب این حرمت گذاشتن به واقعیت آن و شرایط و اوضاعی که علم باید در آن رشد و پیشرفت کند بیندیشیم.

سیاست باید شأن علم را بشناسد و بکوشد که علم در جایگاه خود قرار گیرد و در این صورت و تنها در این صورت است که میتوان از آن بهره گرفت و در خدمت به آن سهم شد اما اگر سیاست بخواهد برای علم تکلیف معین کند راه علم را دشوارتر می کند. اینکه قدرتهای مالی و نظامی امکانهای بسیار و مبالغ گزاف در اختیار دانشمندان و پژوهشگران می گذارند امری نیست که بتوان آن را سهل گرفت و چه بسا که کسانی بگویند که یکی از عوامل پیشرفت علم همین توجه و کمک قدرتهای نظامی و مالی و سوداگری است. در باب نسبت سیاست و اقتصاد و علم در جامعه جدید سخن بسیار است و در اینجا به آن نمی توان پرداخت و اگر به شرایط بهره برداری سیاست از علم اشاره شد مراد تذکر این نکته بود که برنامه توسعه علم را با توجه به اقتضاهای ذاتی و تاریخی آن تدوین باید کرد.

علم در جامعه و در نظام زندگی کنونی نمی تواند با سیاست و شرایط و شیوه زندگی و اعتقادات و روحیات مردم مناسبت نداشته باشد. یعنی علم جدید امری زائد بر زندگی این زمان نیست که آن را از بیرون فراگیرند و بر آنچه پیش تر بوده است بیفزایند. علم تکنولوژیک دائرمدار جامعه جدید است و دگرگونیش مایه دگرگونی چیزها می شود یا بهتر بگوییم در تناسبی با دیگر شئون زندگی قرار دارد. مقاله نویسی کار علمی است و ثبت و ضبط و فهرست کردن مقالات هم از وظایف نظام مدیریت علم است اما علم چیزی پیش و بیش از مقاله نویسی است. دانشمند را نمی توان و نباید به هیچ قیدی مقید کرد اما مقاله نویسی باید در حدود برنامه و نظام علم صورت گیرد. دانشمندان هم وقتی در این نظام کار می کنند احساس محدودیت و اضطراب نمی کنند. بلکه بودن در درون نظام علم و همراهی و همکاری با یکدیگر را مایه آرامش و امید می بیند. در علم بلهوسی نیست آنجا دانشمند وقتی آزاد است که به پژوهش در ضروری ترین مسائل بپردازد.